

مروری بر چند کتاب که با زبان داستان از جنایت و ترور حرف می‌زنند

# علیه ترور

نوشتن و حرف زدن از حقایق تاریخی علاوه بر این که کار سختی است ولی در کنار آن باید به این نکته نیز اشاره کرد گاهی مصلحت‌اندیشی و رفتن در لاک خودسانسوری و ترس از بایکوت شدن سبب می‌شود یک هنرمند کمتر درباره برخی حقایق تاریخی حرف بزند؛ حقایقی که ریشه در تاریخ دارد و با خون افراد بی‌گناه بر سطرهای سفید تاریخ نوشته شده است.

جنایت‌های سازمانی موسوم به مجاهدین خلق پس از انقلاب اسلامی و حتی در روزهای مبارزه علیه رژیم پهلوی با کشتن عناصر مومن به اسلام به بهانه یک‌دست کردن سازمان، اتفاقی نیست که برکسی پوشیده باشد، اما با این حال نوشتن از این موضوع کار آسانی نیست. زیرا هنوز حساسیت‌هایی در ارتباط با این سازمان و اتفاقات آن وجود دارد، حتی این شائبه که سمپات‌های آنها برای افراد مشکل‌آفرینی کنند. به همین دلیل آنهایی که بر جنایت‌های این سازمان تروریستی اتفاق نظر دارند گاهی ترجیح می‌دهند، ماجرارا با سکوت برگزار کنند. این افراد جدای از کسانی هستند که با قلم و هنر خود در صدد تطهیر چهره این سازمان هستند. این نکات را باید گذاشت در کنار این موضوع که همیشه اولین‌ها کار دشواری به نسبت نفرات بعدی دارند به همین خاطر نوشتن از موضوعی که تا همین چند سال پیش کاری تازه محسوب می‌شده و سختی‌های خودش را داشته، اکنون دشواری سال‌های قبل را ندارد. به بهانه سالروز اعدام تقی شهرام، ایدئولوگ سازمان مجاهدین خلق که زمینه مارکسیست شدن این سازمان و غیرمذهبی شدن آن در سال‌های پیش از انقلاب را فراهم کرد، مروری داشته‌ایم بر آثاری که به این سازمان و حواشی آن پرداخته‌اند.

سیفا...نجاریان

روزنامه نگار

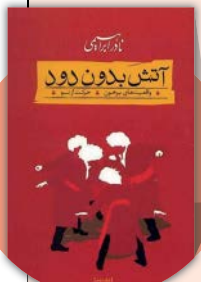
## کلت ۴۵

حسام الدین مطهری را می‌توان در زمره اولین کسانی دانست که درباره سازمان و جنایت‌های آنها با زبان داستان اثری خلق کرده است. او در اولین اثرش سراغ این سازمان رفته و تصویری با جزئیات بسیار را برای خواندگانش ترسیم کرده است. این اثر یکی از رمان‌هایی است که به سال‌های دهه ۵۰ شمسی تا سال ۶۰ پرداخته و خواننده را وارد ماجرای یک خانواده می‌کند که اتفاقات آنها را از هم دور کرده است. به تعبیری باید این رمان را اثری موفق در روایت اتفاقات سال‌های منتهی به انقلاب و ابتدای دهه ۶۰ دانست. رمانی که روایتی از سازمان مجاهدین خلق پیش از انقلاب و پس از آشکار شدن مشی اصلی آنها در روزهای انقلاب است. روزهایی که منافقانه دست به ترور می‌زدند و برای رسیدن به نیات پلید نفسانی خود خلق را قربانی زیاده‌خواهی خود کردند تا جایی که در این رمان می‌بینیم مادر به فرزندش رحم نمی‌کند. اثری که نشان دهنده اوج خصومت منافقین با نیروهای انقلابی است که دست به رفتارهایی خلاف عواطف و احساسات انسانی می‌زدند و از این منظر این رمان به خوبی نقاب از چهره پلید گروهک منافقین و فعالیت‌های تروریستی آنها در سال‌های پس از پیروزی انقلاب اسلامی برمی‌دارد.



## آتش بدون دود

شاید باور این که رمان بزرگ نادر ابراهیمی اثری در نقد یا روایت حقیقت گروهکی مانند سازمان مجاهدین خلق باشد، دشوار به نظر بیاید. هرچند نادر ابراهیمی در این اثر اشاره مستقیمی به این سازمان نکرده، ولی علیه گروه‌هایی که علم مبارزه در برابر طاغوت برداشته بودند و مشی چپ داشتند بسیار سخن گفته است. شخصیت داستان که یک پزشک خدانا باور است بارها در کتاب علیه حزب توده و دیگر گروه‌های چپ سیاسی کشور موضعگیری کرده و آنها را عناصر بیگانه در داخل معرفی می‌کند. به عبارت درست‌تر، «آتش بدون دود» را در حالی که باید یک اثر عاشقانه معرفی کرد، ولی سویه سیاسی آن را نباید نادیده گرفت که نادر ابراهیمی به خوبی در آن پرده از رخ جریان‌های چپ‌نما و شبه‌روشنفکر برداشته و رفتارهای آنها را برملا می‌کند. این اثر که در سه جلد در دسترس است روایتی از مردم صحراست که در برابر ظلم و تجاوز حکام ایستادگی کردند. نادر ابراهیمی در اثرش بارها از زبان آلنی حکیم به رفتارهای عده‌ای مبارز نما می‌تازد و آنها را عامل انحراف آرمان‌های انقلابی معرفی می‌کند.



## تپه خرگوش

این کتاب ماجرای یک خانواده است در سه برهه زمانی حساس تاریخ معاصر ایران. کتاب اول در بیمارستان شروع می‌شود در جست‌وجوی خونی کمیاب برای نجات زانو. خونی که در آن شرایط خارج از بیمارستان، بر زمین ریخته می‌شود. ماجرا به روزهای پیش از انقلاب برمی‌گردد. خانواده‌ای که کل داستان دور و بر زندگی آنها می‌گذرد. یوسف که همسایه این خانواده است مبارزه را بیهوده می‌داند و عقیده دارد شاه را نمی‌شود بیرون کرد. اما ارغوان اعتقاد دیگری دارد او که جزو گروهکی است اعتقاد دارد که به خاطر آزادی مردم باید مبارزه کنند. یوسف اما معتقد است سر موضوع مجید شریف واقعی، سازمان منافقین جنایت کرده است و به افراد خودش هم رحم نمی‌کند و به خاطر قدرت سازمان تغییر ایدئولوژی داده و مارکسیست شده است.

کتاب دوم در زمانه جنگ می‌گذرد. دومین دوره حساس تاریخ معاصر ایران. شهر در معرض حمله هوایی است و رادیو از موشکباران می‌گوید. رضا، فرزند سهیلا و احمد، که چند روز پیش از انقلاب اسلامی در بیمارستان به دنیا آمده بود، حالا بزرگ شده است. مدت‌هاست اما از ارغوان خبری نیست. بعد از ۳۰ خرداد و جنایت منافقین، دیگر خبری از ارغوان نیست. اما درست در روز تولد رضا سروکله ارغوان پیدا می‌شود. جز مادر خانواده که به ارغوان بی‌اعتناست همه از دیدنش خوشحال می‌شوند. حس می‌کنی انگار مادر خانواده که با ارغوان میانه خوبی ندارد و او را در جنایات منافقین شریک می‌داند، او را به نیروهای انتظامی لو داده است. این کتاب را نشر روزنه منتشر کرده است.



## سال گرگ

جواد افهمی، یک از نویسندگان چیره دستی است که آثارش همیشه مورد توجه مخاطبان جدی ادبیات بوده و آنهایی که آثار او را خوانده باشند بر این نکته تاکید می‌کنند او نویسنده‌ای است که از ظرفیت‌های بسیار بالایی در خلق یک اتفاق برخوردار است.

رمان «سال گرگ» از یکی از نمونه‌های خوب آثار در موضوع منافقین است. او در اثرش روایتی از تغییر مشی سازمان مجاهدین خلق ایران توسط تقی شهرام را با زبان داستانی مطرح می‌کند. سال‌های ابتدایی و میانی دهه ۵۰ بستر اتفاقات رمان افهمی است که زمینه تصفیه‌های درون سازمانی و ترور یکی از اعضای مرکزیت (مجید شریف واقعی) را رقم زده است. افهمی در این اثر تلاش می‌کند تحول افراد را به خواننده نشان دهد. او در این کتاب که نشر شهرستان ادب آن را منتشر کرده پوشیده تصویری از یک اتفاق مهم در تاریخ مبارزات انقلاب را برای خواننده‌اش به نمایش دریاورد. به عبارت دیگر، افهمی بخش مهمی از انحراف و التقاط سازمان مجاهدین را با زبان داستان بازگو کرده تا خواننده برای کسب اطلاعات بیشتر ترغیب شود سراغ منابع اصلی برود. ]



## سراب آزادی

این کتاب دربردارنده خاطرات خودنوشت مریم سنجابی، مسؤول پرونده‌های پرسنلی و عضو شورای رهبری سازمان مجاهدین است که به عنوان عنصر تواب معرفی شد و خاطراتش را در ایران در قالب این کتاب منتشر کرد. خاطراتی تکان‌دهنده که نشان می‌دهد سازمان در سطوح بالا درگیر فسادهای متنوع بوده و برخلاف ادعاهای مرکزیت آن مبنی بر جریان داشتن اصول دموکراتیک، به شدت دیکتاتوری در آن حاکم بوده و اعضا از این دیکتاتوری در امان نبودند. بخش‌های مختلف این کتاب به خصوص در ارتباط با عملیات مرصاد و همچنین تحرکات تروریستی در سال‌های پس از پایان جنگ و حمایت‌های غرب از این گروهک تروریستی، روایت‌های جذابی است که خواننده را در موقعیت رو در رو شدن با یکی از کادرهای رده بالای سازمان قرار می‌دهد. این کتاب را که نشر ستوس منتشر کرده باید روایتی از درون سازمان دانست و میان آنک آثار مستندنگاری قرارش داد.

